

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۷۶ | دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ | ۵ آگوست ۲۰۲۴

تامین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

یک ماه بعد از به نام انتخابات ریاست جمهوری رژیم ایران کشته وزخمی شدن ۲۶ کولبر در کوردستان توسط نیروهای نظامی رژیم ایران

طی یک ماه گذشته حداقل ۲۶ کولبر در مناطق کوهستانی کوردستان از سوی نیروهای مسلح رژیم ایران با شلیک مستقیم نیروهای این رژیم کشته شده‌اند. بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری ۸۵ درصد با شلیک مستقیم کشته شده‌اند. ۲۶ کولبر که طی ماه گذشته به آنها شلیک شده است ۵ تن از آنان کشته شده‌اند و ۲۱ کولبر هم زخمی شده‌اند.

ایوب محمدی اهل ثلاث باوه‌جانی، کیان زینی کولبر ۱۹ ساله اهل سردشت، ریبوار رشیدی اهل بانه، احسان نوروزی اهل گیه‌لان و ناظم سفری اهل سولواوا ۵ کولبری هستند که طی ماه گذشته در هنگام کولبری کشته شده‌اند.

درود بر حزب دمکرات نخستین حزب مدرن کورد برای رهبری جنبش حق طلبانه مردم کوردستان

حزب دمکرات کوردستان ایران

پیروز باد سالروز تاسیس حزب دمکرات، حزب پیشاهنگ مبارزات

حزب دمکرات کوردستان ایران
Democratic Party of Iranian Kurdistan
مرکز نشریات
مرداد، شهری، شمسی ۱۴۰۳

استقلال سیاسی برای حزب دمکرات هم اخلاق است و هم اصول

اسماعیل شرفی
۶

ما اینگونه‌ایم!

ناصر باباخانی

۵

قاسملو بیش از یک نام و با صلابت از یک زمان

زاتیار حسینی

۴

رئیس جمهور یا یک تدارکاتچی بی اختیار!

رضا دانشجو

۳

دکتر قاسملو دیپلماتی برای آرمانهای کوردستان

آزاد مستوفی

۲

دکتر قاسملو دیپلماتی برای آرمانهای کوردستان



آزاد مستوفی

بخش دوم (پایان)

میراث و تاثیر دکتر قاسملو
میراث شهید دکتر قاسملو از طریق کمک های او به دیپلماسی کوردستان زنده است. رویکرد استراتژیک و فداکاری او الهام بخش نسلهای بعدی رهبران کورد بوده است. نکات زیر تاثیر ماندگار او را برجسته می کند:

۱- الهام برای دیپلماتهای آینده: مبارزات و خط مشی سیاسی شهید دکتر قاسملو الهام بخش دیپلمات ها و فعالان کورد در آینده است تا رویکردهای صلح آمیز و استراتژیک را در دفاع از حقوق خود دنبال کنند. روش های او به عنوان طرحی برای دیپلماسی موثر در شرایط چالش برانگیز عمل می کند.

۲- نماد مقاومت کوردها: زندگی و ترور دکتر قاسملو به نماد مقاومت کوردها و

مبارزه مداوم برای احقاق حقوق ملی کوردها تبدیل شده است. دیوید مک داوال ، مورخ و نویسنده "تاریخ مدرن کوردها" در مورد دکتر قاسملو می گوید: "قاسملو از یک توانایی نادر در ترکیب علم و عمل سیاسی برخوردار بود. رویکرد دیپلماتیک و تلاش های خستگی ناپذیر او برای راهحلی مسالمت آمیز اثری پاک نشدنی بر آرمان کوردها بر جای گذاشت". این اثر پاک نشدنی او را به رهبری کارزماتیک در میان ملت کورد تبدیل کرد و بدون شک زندگی و ترورش همچنان یادآوری وضعیت اسفبار ملت کورد و اهمیت تلاشهای دیپلماتیک حزب دمکرات کوردستان در تحقق عدالت را یادآوری میکند.

۳- ادامه مبارزه: احزاب مبارز کوردستان و شخصیت های سیاسی همچنان از میراث دکتر قاسملو برای دفاع از حقوق کوردها استفاده می کنند و خود را وامدار و ادامه دهنده ی او برای رسیدن به کوردستانی آزاد و دمکرات می دانند. شعار "قاسملو قاسملو راهت ادامه دارد" یک شعار حزبی نیست بلکه یک شعار مردمی در تظاهرات علیه رژیم اشغالگر است که عمق نفوذ راه و منش مبارزاتی دکتر قاسملو را در میان اقشار مختلف جامعه کوردستان نمایان میکند. راهبردهای دیپلماتیک او توسط پژوهشگران و دانشگاهیانی که متعهد به راهحلهای صلح آمیز و همبستگی بین المللی هستند همواره مورد مطالعه و تحقیق قرار می گیرد.

۴- دیپلماسی و عمل گرایی: دیپلماسی

شهید دکتر قاسملو در تعامل موثر با قدرت های غربی و منطقه ای اشاره می کند. او بر تعهد دکتر قاسملو به مذاکرات مسالمت آمیز تاکید می کند، مذاکراتی که او با وجود فضای خصمانه ای که رژیم ایران ایجاد کرده بود، دنبال می کرد. پورنهورب خاطر نشان می کند که تحصیلات غربی و آرمان های دموکراتیک قاسملو، او را تبدیل به یک رهبر منحصر به فرد و با نفوذ کرده بود که می توانست آرزوهای کوردها را در یک سطح بین المللی بیان کند.

دکتر عبدالرحمان قاسملو قدرت و پتانسیل دیپلماسی را در دفاع از حقوق ملت های تحت ستم به خوبی مورد استفاده قرار داد. ژرارد شالیاند ، نویسنده و کارشناس ژئوپلیتیک، به ویژه در جنبش های انقلابی در اینباره میگوید "قاسملو روشنفکری درخشان و سیاستمداری ماهر بود. توانایی او در ترکیب دیپلماسی و کنشگری، او را به شخصیتی منحصر به

و عمل گرایی دو عنصر اساسی در سیاست خارجی و مدیریت روابط بین الملل هستند. دیپلماسی هنر و علم مذاکره و تعامل با دیگر کشورها و نهادهای بین المللی است که هدف آن رسیدن به توافقات و حل و فصل منازعات بدون توسل به خشونت است. عمل گرایی در دیپلماسی به معنای تمرکز بر واقعیت ها، انعطاف پذیری و اولویت دادن به نتایج ملموس و عملی است. رهبران عمل گرا در دیپلماسی به جای تکیه بر ایدئولوژی های سخت گیرانه یا اهداف بلند پروازانه، به دنبال راه حل های عملی و ممکن برای مسائل پیچیده هستند. این رویکرد باعث می شود که دیپلمات ها بتوانند به شکلی موثرتر و با توجه به شرایط واقعی، منافعی را که برای آن مبارزه میکنند، تامین کرده و در عین حال به ثبات و امنیت منطقه، کشور و همچنین در بعد جهانی آن نیز کمک کنند. کارل پورنهورب رویکرد عمل گرایانه قاسملو به دیپلماسی او را برجسته می کند و به توانایی

توضیحات

David McDowall نویسنده بریتانیایی که در سال 1945 متولد شد. او تحصیلات عالی خود را در دانشگاه آکسفورد دنبال کرد و در آنجا علاقه شدیدی به مطالعات خاورمیانه پیدا کرد. این پیشینه آکادمیک اساس کار آینده او را به عنوان یک مورخ و نویسنده گذاشت. زندگی حرفه ای مک داوال با تعامل عمیق او با تاریخ و سیاست خاورمیانه، به ویژه تمرکز بر ملت کورد مشخص شده است. تخصص او فراتر از کوردستان است و امور خاور میانه را در بر می گیرد. در طول سالها، او سمتهای مختلفی را بر عهده داشته است که به او اجازه داده است تا عمیقا به پیچیدگی های منطقه بپردازد.

Carol Prunhuber نویسنده و روزنامه نگار ونزولایی متولد 1956، دکترای مطالعات آمریکای لاتین را در دانشگاه پاریس به پایان رساند. او کار روزنامه نگاری خود را در امور بین المللی توسعه داد و به طور خاص بر وضعیت ملت کورد و حقوق بشر تمرکز داشت. او نوشتن برای روزنامه های اسپانیایی زبان را آغاز کرد و بعدا به عنوان وابسته مطبوعاتی با دیپلمات ها و سیاستمداران برجسته در مادرید کار کرد. او در سال 1983 با دکتر عبدالرحمن قاسملو در پاریس ملاقات کرد و در سال 1985 به کوردستان سفر کرده است. پس از سه سال تحقیق و مصاحبه گسترده، کارول نگارش "مصائب و مرگ رحمان کورد" را در سال 1991 به پایان رساند. کارول در 2024 کتاب "کوردستان محال از رویای ناتمام تا ترور رهبر کورد قاسملو" به زبان فرانسوی را چاپ کرده است.

Grard Chaliand متولد 1934 فرانسه. متخصص ژئوپلیتیک که مقالات زیادی در مورد جنگ های نامنظم و استراتژی نظامی منتشر کرده است. تحلیل های چالیناند از شورش ها در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و خاورمیانه، عمدتا بر اساس تجربیات میدانی اش با نیروهای شورشی، در بیش از 20 کتاب و در مقالات متعدد روزنامه منتشر شده است.

Olivier Roy متولد 1949 فرانسه، دانشمند علوم سیاسی و استاد مؤسسه دانشگاه اروپایی در فلورانس، ایتالیا.
Bernard Kouchner متولد 1939 فرانسه. سیاستمدار، دیپلمات، پزشک و یکی از مؤسسان سازمان خیریه پزشکان بدون مرز و پزشکان جهان می باشد. وی وزیر امور خارجه و اروپای فرانسه در دولت فرانسوا فیون بود.

بازداشت ۵ فعال مدنی در جریان یورش به مراسم خاکسپاری اسماعیل کریمی



اهل روستای "نجف آباد" از توابع شهرستان کامیاران که در حین اطفای حریق مراتع جنگلی "کانیشه" دچار سوختگی شدید شده بود، بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

مراسم خاکسپاری پیکر اسماعیل کریمی، فعال محیط زیست با حضور هزاران نفر از مردم میهن دوست کوردستان و با شعار "شهید نامری" و "کاک اسماعیل قهرمان است، شهید کوردستان است" در روستای "نجف آباد" از توابع کامیاران برگزار شد.

اهل شهرستان های کامیاران، پاوه، جوانرود، سنندج و دهگلان پس از مراسم خاکسپاری هدف یورش مسلحانه نیروهای رژیم قرار گرفتند و علاوه بر سلاح کشیدن و ضرب و شتم این فعالین، ۵ تن از آنان به نام های "آمانج قربانی"، "امیر ندیمی" و "قرزین موفقی" اهل کامیاران و "حمید سبزی" و "قریده ویسی" اهل شهرستان پاوه بازداشت و به اداره اطلاعات رژیم در کامیاران منتقل شده اند.

روز چهارشنبه ۲ مرداد، اسماعیل کریمی "فعال محیط زیستی ۳۷ ساله و

در جریان مراسم خاکسپاری اسماعیل کریمی" و در پی یورش نظامیان رژیم دست کم ۵ فعال مدنی بازداشت و دهها تن دیگر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. روز چهارشنبه ۳ مرداد، در جریان مراسم خاکسپاری اسماعیل کریمی، فعال محیط زیست اهل شهرستان کامیاران ۵ فعال مدنی و محیط زیست اهل کامیاران و پاوه بازداشت شدند و دهها تن دیگر مورد ضرب و شتم قرار گرفته و موبایل شخصی آنان توقیف شد.

بیش از ۵۰ فعال مدنی و محیط زیست

بازداشت خشونت آمیز احمد و سولماز حسن زاده از خانواده شهدای جنبش ژینا در بوکان



"احمد حسن زاده" و "سولماز حسن زاده"، پدر و خواهر "محمد حسن زاده" در پی یورش وحشیانه نیروهای اطلاعات رژیم اسلامی ایران با خشونت و ضرب و شتم بازداشت شدند.

بر اساس گزارش "ههنگاو"، ظهر روز سه شنبه ۹ مرداد، همزمان با سالروز تولد "محمد حسن زاده" از شهدای جنبش ژینا در بوکان، نیروهای اطلاعات رژیم به منزل خانوادگی نامبرده یورش و احمد حسن زاده ۵۷ ساله و سولماز حسن زاده ۳۰ ساله را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

بنا بر این گزارش، نیروهای سرکوبگر رژیم بدون ارائه حکم قضایی به منزل احمد حسن زاده یورش برده و ضمن

رئیس جمهور یا یک تدارکاتچی بی اختیار!

کارآمدن جمهوری خواهان در آمریکا و کنار کشیدن از مذاکرات هسته ای و فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی، بسته شدن مراکز جاسوسی جمهوری اسلامی به عنوان نمونه مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان، همه مواردی هستند که جمهوری اسلامی را بر آن داشته است که با کارت قدیمی و البته تاریخ مصرف گذشته اصلاح طلبان شانس خود را بیازماید.

به نظر می رسد پزشکین به عنوان یک تدارکاتچی بی ادعا که به خوبی هم نقش و جایگاه خود را درک کرده است می تواند برای جمهوری اسلامی و بیت رهبری انتخاب درستی باشد. اما آیا شرایط داخلی و خارجی هم با تحلیل های جمهوری اسلامی همخوانی دارند؟ در عرصه داخلی باید به صراحت گفت: حوادث انقلاب ژینا و اتفاقات بعد از آن به خوبی نشان داد که دوگانه حاکمیت و مردم از مرحله تضاد هم عبور کرده و اینکه در فاز تقابل قرار گرفته است. اینک تنها چیزی که برای مردم اهمیت دارد مرگ حاکمیت است و جز آن هیچ چیز حاکمیت برای مردم جذباتی ندارد. مبارزه آشکار مادران

دادخواه با جمهوری اسلامی علنی ترین جلوه این تقابل است. واقعیت میدانی این است که حتی بخشی از کسانی که هم به هر دلیلی مثلا ناکارآمدی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در همراه کردن آنها یا تحت تاثیر جنگ رسانه ای جمهوری اسلامی فریب خورده و در انتخابات شرکت کرده اند انتظار مرگ جمهوری اسلامی را می کشند. در عرصه بین المللی هم باید گفت هر چند ممکن است تغییراتی جزئی و در مقیاس کوچک رخ دهد اما تغییر موضع کلی غرب در مقابل رژیم آخوندی بسیار بعید است.

البته بی گمان آنچه ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را به صدا در خواهد آورد نه غرب و نه هیچ قدرت خارجی دیگر است، این شور و شعور دوباره خیابان است که بانگ رهایی را سر خواهد داد و پایان داستان سپاه ولایت فقیه را رقم خواهد زد. درمان زخم عفونی و مرض لاعلاج جمهوری اسلامی نه کار تدارکاتچی مثل پزشکین است نه هیچ پزشک دیگری. عاقبت این درد هم جمهوری اسلامی را می کشد هم تدارکاتچی بی اختیار را.



رضا دانشجو

بالاخره بعد از پایان سیرک انتخابات جمهوری اسلامی، اینبار این اصلاح طلبان بودند که نظرشان به نظر آقا نزدیکتر بود و توانستند به عنوان تدارکاتچی دستگاه ولایت فقیه چند صباحی پست های حکومتی را اشغال کنند. جریانی که در زمان استقرار جمهوری اسلامی تقریباً همه کاره مملکت بود و رابطه بسیار نزدیکی با خمینی دجال داشت در دوران رهبری علی خامنه ای بسیار کمتر مورد توجه و عنایت درگاه ولایت فقیه قرار گرفته است. اصلاح طلبان که بعد از اتفاقات انتخابات سال ۸۸ و هزینه ای که به ولایت فقیه تحمیل کردند بطور کامل منزوی شده و حتی در دوران هشت ساله روحانی هم نتوانستند چندان خودی نشان دهند با روی کارآمدن مسعود پزشکیان امیدوارند دوباره مورد عنایت خامنه ای قرار گیرند. درباره خود مسعود پزشکیان باید گفت که معروفیت او در تمام دوران حضورش در عرصه قدرت بیشتر از آنکه به خاطر موضع گیری هایش باشد به خاطر نقش خنثی او در تحولات مختلف است. او عالی ترین نمونه برای مثل معروف "یکی به لعل می زند، یکی به میخ" است. جدا از سابقه مشخص سپاهی و التزام او به ولایت فقیه هیچ چیز مشخص دیگری در کارنامه ش نیست. اظهارنظرهای نخستین او هم بعد از انتخابش، نشان می دهد که حتی از تدارکاتچی قبلی دستگاه ولایت فقیه یعنی رئیسی معدوم هم خنثی تر و بی اختیارتر خواهد بود.

هرچند رئیس جمهور در جمهوری اسلامی همانطور که روزنامه "جوان" وابسته به سپاه پاسداران می نویسد تدارکاتچی بیش نیست اما به نظر می رسد مسعود پزشکیان در این مورد هم ناتوان است. پزشکین که در مناظره های انتخاباتی بارها از نقش مستقیم خامنه ای در تایید صلاحیتش و در واقع از بیعتش با بیت رهبری سخن گفت بعد از انتخاب هم ضمن تکرار این موضوع که او دنباله روی سیاست های رهبری است و هیچ قولی هم

جاری می شود. برخلاف نمایندگان مجلس که در مقام وکالت قانونگذاری می کنند، ریاست جمهوری از نوع «وکالت» نیست، چون اولاً او وکالت کسانی که به او رأی نداده اند را کسب نکرده و ثانیاً با وکالت نمی توان در امور عامه مردم تصرف کرد. با توجه به آنکه رئیس جمهور کارگزار اجرایی نظام ولایت است، این تنفیذ او را صاحب اختیار اعمال ولایت در محدوده اختیاراتش می کند.

علی خامنه ای در اولین دیدارش بعد از انتصاب مسعود پزشکیان آشکارا با یادآوری خطوط قرمز و سیاست های کلی، خواستار همکاری دولت و مجلس در انتخاب وزرا شد. درباره چرایی انتصاب مسعود پزشکیان در این برهه زمانی می توان به چند نکته مهم اشاره کرد. نکته اول مسلماً شرایط پیچیده جمهوری اسلامی بعد از حوادث جنبش ژیناست. در عرصه داخلی جمهوری اسلامی در تلاش است با عروسک کاصلاحات و طرح بعضی مسائل مانند رفع فیلتر شبکه های اجتماعی حداقل در کلام، درصدی از بخش خاکستری جامعه را با خود همراه کند. نکته دوم، اصالت تورکی پزشکین است که در موقع انتصابات هم

جاری می شود. برخلاف نمایندگان مجلس که در مقام وکالت قانونگذاری می کنند، ریاست جمهوری از نوع «وکالت» نیست، چون اولاً او وکالت کسانی که به او رأی نداده اند را کسب نکرده و ثانیاً با وکالت نمی توان در امور عامه مردم تصرف کرد. با توجه به آنکه رئیس جمهور کارگزار اجرایی نظام ولایت است، این تنفیذ او را صاحب اختیار اعمال ولایت در محدوده اختیاراتش می کند.

علی خامنه ای در اولین دیدارش بعد از انتصاب مسعود پزشکیان آشکارا با یادآوری خطوط قرمز و سیاست های کلی، خواستار همکاری دولت و مجلس در انتخاب وزرا شد. درباره چرایی انتصاب مسعود پزشکیان در این برهه زمانی می توان به چند نکته مهم اشاره کرد. نکته اول مسلماً شرایط پیچیده جمهوری اسلامی بعد از حوادث جنبش ژیناست. در عرصه داخلی جمهوری اسلامی در تلاش است با عروسک کاصلاحات و طرح بعضی مسائل مانند رفع فیلتر شبکه های اجتماعی حداقل در کلام، درصدی از بخش خاکستری جامعه را با خود همراه کند. نکته دوم، اصالت تورکی پزشکین است که در موقع انتصابات هم

به کسی نداده عملاً آب پاکی را روی دست همه آدم های ساده لوح دلخوش به تغییر ریخت. در این میان تذکرات چندباره بعضی از نمایندگان مجلس و رسانه های سپاه به پزشکین در مورد اطرافیانش، نشانگر ترس از نفوذ افرادی مانند ظریف در خط دهی به او است. در واقع رسانه های سپاه با شناخت از شخصیت ضعیف پزشکین نگران اعمال نفوذ افراد جناح رقیب هستند. جنگ قدرتی که می تواند برای سپاه بسیار مهم ارزیابی شود. در این میان تلاش این رسانه ها به منظور تقلیل جایگاه رئیس جمهور در جمهوری اسلامی هم در نوع خود جالب توجه است.

در این میان روزنامه «جوان» وابسته به سپاه در آستانه برگزاری مراسم تنفیذ مسعود پزشکیان، در یادداشتی با عنوان «آیا تنفیذ تشریفاتی است؟» می نویسد:

رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه نیازمند اختیاراتی برای تصرف در امور مردم است که بدون اذن «ولی» (علی خامنه ای) ممکن نیست. بنابراین بخش عمده ای از اختیارات رئیس جمهور ناشی از اذنی است که به واسطه این تنفیذ

اجرای حکم اعدام ۵۵ زندانی در ماه

جولای توسط رژیم ایران

افغانستان توسط دستگاه قضایی رژیم به اجرا درآمده است. از سوی دیگر در این ماه دست کم ۵ زندانی زن در زندان های بیرجند، شیراز و خرم آباد اعدام شده اند. همچنین در ماه جولای میلادی حکم اعدام ۸ زندانی بصورت مخفیانه و بدون اطلاع خانواده و حق برخورداری از ملاقات آخر به اجرا درآمده است. عفو بین الملل می گوید بعد از جنبش «زن، زندگی، آزادی» در شهریور ۱۴۰۱، رژیم ایران استفاده از مجازات اعدام را برای القای وحشت در میان مردم و تشدید کنترل خود بر قدرت افزایش داده است.

با استناد به آمار ثبت شده مرکز آمار سازمان حقوق بشری «هنگاو»، در ماه جولای میلادی دست کم ۵۵ زندانی در زندان های سراسر ایران اعدام شده اند. بر اساس گزارش «هنگاو»، در ماه جولای ۲۰۲۴، دست کم ۵۵ حکم اعدام در زندان های سراسر ایران به اجرا درآمده که در مقایسه با ماه قبل آن با افزایش ۴۰۰ درصدی همراه بوده است. در ماه ژوئن حکم اعدام ۱۱ زندانی به اجرا درآمده بود که در ماه جولای ۴۴ مورد افزایش داشته است. در ماه جولای حکم اعدام ۱۴ زندانی ترک، ۸ زندانی بلوچ، ۶ زندانی کورد، ۳ زندانی گیلک، ۳ زندانی لر و ۷ زندانی تبعه کشور

اعدام ۳۰۰ نفر در ایران طی هفت ماه نخست

سال جاری میلادی

این نهاد حقوق بشری از افزایش شمار اعدام ها پس از پایان انتصابات ریاست جمهوری رژیم خبر داد، بطوری که تنها در یازده روز پایانی ماه ژوئیه دست کم ۳۶ زندانی اعدام شده اند. از سوی دیگر از مجموع ۳۰۰ اعدام صورت گرفته در ایران، تنها ۲۸ اعدام توسط رسانه های حکومتی اعلام شده اند. سازمان حقوق بشر ایران نسبت به تشدید اجرای احکام اعدام در زندان های جمهوری اسلامی هشدار داد و خواستار توجه خاص جامعه جهانی و عموم مردم به مسئله اعدام در ایران شد. محمود امیری مقدم، مدیر سازمان

در هفت ماهه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی، دست کم ۳۰۰ زندانی در زندان های مختلف کوردستان و ایران توسط رژیم اسلامی ایران اعدام شده اند. روز شنبه ۱۳ مرداد، سازمان حقوق بشر ایران آخرین آمار خود درباره شمار اعدام ها در ایران را منتشر و از اعدام دست کم ۳۰۰ زندانی در هفت ماهه نخست سال جاری میلادی توسط دستگاه قضایی رژیم اسلامی خبر داد. طبق این گزارش و در این بازه زمانی، حکم اعدام ۴۲ شهروند بلوچ، ۲۰ شهروند کورد، ۲۰ شهروند تبعه افغانستان و ۱۵ زن توسط رژیم ایران به اجرا درآمده است.

حقوق بشر ایران از موج جدید اعدام فعالان مدنی کورد و متهمان جرائم مرتبط با مواد مخدر ابراز نگرانی کرد و افزود که تنها با بالا بردن هزینه های سیاسی از طریق اعتراض های جامعه مدنی و فشارهای بین المللی میتوان از موج اعدام جلوگیری کرد. شایان ذکر است که رژیم اسلامی ایران در سال ۲۰۲۳ نیز با ۸۵۲ مورد، بیشترین اعدام در جهان را به خود اختصاص داده بود و ۷۴ درصد اعدام های ثبت شده در این سال توسط رژیم اسلامی ایران صورت گرفته بود.

قاسملو بیش از یک نام و با صلابت تر از یک زمان



زانیار حسینی

درباره دکتر عبدالرحمن قاسملو مقالات زیادی نوشته شده است و بسیاری از چهره های مطرح غربی درباره او صحبت کرده اند. قاسملو نامی آشنا برای همه فعالان سیاسی مخالف رژیم سلطنتی پهلوی و همه آزادیخواهان مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران است. هیچ مبارز سیاسی و آزادیخواهی در خاورمیانه به ویژه ایران نیست که قاسملو را نشناسد؛ چپ ها، راستگرایان و هر طبقه و طیف خاص در دنیای سیاست ایران بارها با نام و اندیشه های وی مواجه شده اند.

هر نویسنده، روزنامه نگار و روشنفکری که به خاورمیانه و رویدادهای شش دهه اخیر در این منطقه به طور عام و در ایران به طور خاص توجه داشته باشد، بی درنگ با نام قاسملو آشنا گشته، و گفته ها و مصاحبه های وی، توجه اش را جلب نموده است. حال سوال بجایی می باشد که بگوییم چرا نام و یاد و شخصیت قاسملو به صورت چتر محکم و بزرگی بر این خطه کشیده شده و هیچ نامی یارای مقابله با نام و یاد و شخصیت او را ندارد؟ چرا قاسملو با آوازه های نیمه شب مادران، نصایح پدران و رویاها و تخیلات جوانان کورد آمیخته شد؟ هیچ گوشه ای از تاریخ کورد نیست که قاسملو در آن حضور نداشته باشد.

در واقع قاسملو، نام و اندیشه اش مانند نخی است که مهره های تسیب را کنار یکدیگر نگه میدارد؛ او نمادی نهان از اتحاد و پیوستگی کوردها است.

به درستی که دکتر عبدالرحمن قاسملو یکی از دهها رهبر فهیم و خستگی ناپذیر ملت کورد است که تا آخرین نفس بر عقاید خود ماند و برای رهایی و آزادی مردم کورد همچون مبارزی بی دیل بر اریکه تلاش سوار بود و دست از مبارزه بر نداشت و بطور مداوم در حال چیدن چیدمان پازل حق خواهی ملت کورد و یافتن راهی برای احیای حقوق مصادره شده این ملت بود. برآستی چون است که ستاره ای در آسمان رهبران کورد، توجه ناظران این آسمان را بیشتر به طرف خود جلب می نماید؟

کبوتر صلح که عقاب کوه های زاگرس در برابر دشمن بود، مسیحی کورد است؛ قاسملو نه تنها منجی، سیاستمدار و رهبر ملت کورد، بلکه بمانند درسی کامل برای زندگی و نمادی است که می توان آن را در همه ابعاد زندگی الگو قرار داد. او با اندیشه و کلام و منش خود به ما آموخت که زندگی با همه شیرینی و زیبایی اش آنقدر بها ندارد که آزادانه زندگی نکنیم و تا آنجا به رهایی و آزادی و حقوق فردی و جمعی ارزش قائل بود و آن را حیاتی میدانست که تنها اکسیژن در زندگی از چنین جایگاه و ارزشی برخوردار است؛ در واقع قاسملو آزادی و دموکراسی را برابر با

اکسیژن در زندگی میدانست. این مهم حاکی از اندیش و منش بزرگ قاسملو دارد و همین وی را جدای از رهبر کاریزماتیک به یک رهبر معنوی مبدل ساخته است.

بودایی ها بر این باورند که آگاهی در انسان شکل گرفته و تبدیل به بودا شده است، در حالی که مسیحیان می گویند عیسی بزرگترین نشانه خداوند است و برای کوردها قاسملو بودن اوج انسانیت، دموکراسی و زندگی مفتخرانه است.

او به تهران، جماران و خمینی نه گفت، در حالی که کمتر کسی جرأت فکر کردن به چنین کلمه ای را در چنین شرایط حساس و سختی داشت. در زمانی که خمینی و دار و دسته اش، همه مردم ایران و بیشتر کشورهای جهان را فریب دادند و به عنوان مسیح و فرشته نجات مردم و منطقه ظاهر شد، این دکتر قاسملو بود که با حمایت ملت کورد در مقابل خمینی ایستاد و به وی گفت نه، تو نه تنها فرشته نیستی بلکه یک جلاذ تشنه به خون هستی!

دکتر قاسملو بر خلاف موج سیاسی در خیابان های ایران، رسانه ها، سیاست منطقه ای و بین المللی، خیلی زود محتوای افکار خمینی و آخوندهای تهران را درک کرد و به ملت کورد در مورد این وضعیت هشدار داد. با افتخار کوردها تنها مردمی در این چارچوب جغرافیایی بودند که در ابتدای حکومت جمهوری اسلامی به همه پرسى ها و نظرسنجی ها نه گفتند و هنوز هم بعد از گذشت چهار دهه از این سیاست دکتر قاسملو پیروی می کنند.

در حالی که رژیم خمینی در تهران باب هرگونه گفت و گو و سازش را بست و فتوای جهادی علیه ملت کورد صادر کرد و خون، مال، جان ملت کورد را حلال می دانست. دکتر قاسملو در این باره گفته است که ما جنگ نمی خواستیم اما جنگ را به ما تحمیل کردند. پیامبر صلح برای حل مسالمت آمیز مسئله کوردستان جان خود را فدا کرد اما دل و ذهن سیاه تهران و جماران هنوز هم به صلح و مسئله و حقوق ملت کورد باور ندارد، زیرا تا به اکنون هم فتوای جهادی خمینی علیه کوردها ادامه دارد؛ اگرچه رسماً به آن اشاره ای نمی کنند، اما اقدامات و سیاست های این رژیم کوردکش نشان می دهد که آنها سعی در اسمیلاسیون کوردها و پاکسازی آنها از هویت و تعاریف خود دارند. قیام ژینا بهترین گواه چهره تهران نسبت به ملت کورد بود.

با ورود قاسملو به دنیای پر از ظلم و اشغال شده کوردها، چندین نقطه قوت پدید آمد و تحول اساسی عمیقی در انقلاب، دفاع و مبارزه این ملت به وجود آمد که عبارتند از:

۱. گسترش دامنه دیدگاه: دکتر قاسملو اولین رهبر کورد بود که در میان کشورهایی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، به مسائل کوردها به صورت کاملاً آکادمیک و در عین حال سیاسی نگاه کرد. این نوع نگاه باعث شد کوردها به ویژه سیاستمداران کورد از منظری درست تر و واقع بینانه تر به مسئله کورد نگاه کنند و از منطق احساسی به منطق عقلانی برسند.

۲. تربیت سیاسی در گفتار و کردار: دکتر قاسملو یکی از این سیاستمداران آگاه و فوق العاده آگاه بود که سعی داشت



فعالیت های سیاسی خود را به گونه ای پیش ببرد که بخشی از پرورش و آزمون سیاسی برای دیگر فعالان سیاسی ملت کورد باشد و این در گفتار و رفتار ایشان هویدا بود. ۳. کاشت بذر دموکراسی: یکی از مهمترین و شاخص ترین کارهای دکتر قاسملو کاشت مجدد بذر دموکراسی به شیوه ای مدرن و امروزی در چارچوب سیاست های روزانه حزب دمکرات کوردستان بود. حزب دمکرات در غیاب دولت و اقتدار کوردستانی در شرق کوردستان، علاوه بر مسئولیت سیاسی، مسئولیت های اجتماعی و فرهنگی را نیز بر عهده گرفت و از طرق مختلف برای این مهم تلاش و کوشش جدی کرده است.

۴. تثبیت اخلاق سیاسی: یکی از فعالیت های کم نظیر و منحصر به فرد دکتر قاسملو که به راستی می توان آن را شاهکار هنری جهان سیاسی خاورمیانه دانست، تثبیت اخلاق سیاسی در هر زمان و مکان و شرایطی بوده است؛ حتی در شرایطی که پایبندی به این اخلاق سیاسی برای حزب دمکرات در جهت منافع عمومی و ملی، بهای گزافی داشته است. اخلاق سیاسی در حوزه فکری دکتر قاسملو جایگاه ویژه ای داشته و همواره در گفتار و کردار ایشان به وضوح نمایان بوده است. به عنوان نمونه ای مستند و مستدل در جنگ سه ماهه کوردستان که رژیم جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی دریغ نکرد و به زنان، کودکان و غیرنظامیان رحم نکرد، سیاست اخلاق سیاسی و رعایت اصول و قوانین جنگ از سوی نیروهای پیشمرگ و اعضای سازمانی حزب دمکرات به دستور دکتر قاسملو در حد اعتلا و شگفتی بود و این یکی از صدها مدرک تاریخیست که مایه مباهات کوردها و حزب دمکرات است.

۵. توجه به مطالعه، آموزش و خودآموزی: یکی از زمینه هایی که دکتر قاسملو مدام در مورد آن صحبت و برای تثبیت آن تلاش می نمود، بالا بردن سطوح آموزشی و خودآموزی اعضای حزب، جوانان و همه اقشار ملت کورد بود. دکتر قاسملو به خوبی دریافته بود که بخشی از وسیع ترین

از یکدیگر پس از گذشت این همه سال از جداسازی قهری در همه حال و در هر شرایطی، یکی از این مصادیق است و قیام بزرگ ژینا نشان دهنده اوج هوشیاری ملت کورد است که جهانیان را روی خط آورد و مایه مباهات و احترام کورد و کوردستان در جهان گردید.

۸- تقویت خط مشی ملی در برابر خط مشی حزبی: قاسملو با عنایت و توجه به تجربیات و آموزه های جمهوری کوردستان و مباحث فکری پیشوا قاضی محمد در دوران حکومت جمهوری کوردستان در شرق کوردستان، خطوط ملی را به وضوح مشخص کرد و آنها را جزء سیاست های کلی حزب دمکرات کوردستان ایران قرار داد. این سیاست اکنون به بخشی از تفکر سیاسی مردم شرق کوردستان تبدیل شده است. در بخشی از این سیاست آمده است که کوردها فارغ از مرزهای جعلی باید به هر نحوی که می توانند با یکدیگر همکاری کنند و در عین حال، به دلیل تقسیم کوردها بر چهار کشور و وجود چهار نوع سیاست اشغالگری، بهتر است کوردهای هر بخش در مبارزات کوردهای سایر بخش ها دخالت نکنند و رفتارها و تصمیمات سیاسی هر بخش از کوردستان نبایستی آثار سوء و جبران ناپذیری بر بخشهای دیگر بگذارد. در واقع تحکیم و توسعه سیاست حفاظت از منافع ملی در زمانی که کشور شما تقسیم شده است و شما دولتی ندارید، یکی از دشوارترین کارها، اما در عین حال مهمتر از بسیاری از وظایف دیگر است. دکتر قاسملو این خط مشی ملی را سیاستی غیرقابل تغییر و کلی معرفی کرد و اکنون این شیوه بخشی از تفکر و رفتار سیاسی مردم شرق کوردستان شده است. وقتی به شرح حال و مهارت های دکتر قاسملو نگاهی می اندازیم، می بینیم که ایشان به هر علمی که مربوط و مرتبط با مسئله کورد بوده و در این زمینه نیاز به آگاهی داشته است، تسلط کامل داشته و سعی در فراگیری آن نموده است؛ به عنوان مثال، سیاست، اقتصاد، زبان شناسی، کار میدانی، فعالیت های سازمانی و غیره، بخشی از مهارتها و تخصص های نامبرده بوده است. در واقع این امر باعث شده است که هر فرد و فرزند این ملت الگو و نماد خوبی برای خودآموزی و موفقیت در زندگی و در عین حال مبارزه برای اهداف ملتش داشته باشد. وقتی کمی دورتر می ایستید و به این شخصیت بزرگ و برجسته نگاه می کنید، انگار چشم به ارتشی یک نفره دوخته اید که بمانند کوهستان قندیل با شهمت، با اراده و آگاه بوده است!

در سی و پنجمین سالگرد ترور دکتر قاسملو و همزمانش که پای میز مذاکره برای حل مسئله کوردستان جان خود را فدا کردند، پرسشی ذهن هر فرد کورد را به خود مشغول کرده است؛ چه زمانی وین می خواهد با اجرای عدالت در برابر ترور دکتر قاسملو و همزمانش روح مجروح ملت کورد را تا حدودی التیام بخشد و لکه ننگ را بر پیکر دموکراسی پاک کند؟ زیرا روح و حیثیت کوردها در این فاجعه اسفناک دو بار خدشه دار شد؛ بار اول با ترور رهبرانش در قلب اروپا و سرزمینهای مدعی عدالت و آزادی، و بار دوم با نادیده گرفتن معیارهای دموکراسی و قانون برای بازگرداندن حاکمیت عدالت توسط وین!

ما اینگونه‌ایم!



ناصر باباخانی

کیش و ماد می‌کرد. زیرا در واقع متن بدون مخاطب، متی مرده و گونای به زبان دیگری به ناسیونالیسم متجاوز مقابله می‌کرد که این دقیق روح مبارزه‌جویی کورد به‌زبان متجاوز می‌باشد. وی به زبان ترکی از زبان مادری خویش حمایت به‌عمل می‌آورد، یعنی کورد بودن به زبان ترکی. هرچند این از نظر ناسیونالیسم سنتی، نوعی ساختارشکنی در آن نمایان است، اما این "ناسیونالیسم همه‌جانبه" که سعی بر گسترش و فراتر رفتن از حد و مرزها دارد، همچون در مورد آن سخن گفتیم نتیجه‌ی محیط معاصر فرد و جامعه کوردستان است. احتمالاً دلایل ساختارشکنی این آلیاژ، به آن وضعیت ویژه برمی‌گردد که در آن به‌سر برده است. برای همین این ناسیونالیسم معاصر، نوعی واکنش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. "ناسیونالیسم همه‌جانبه" متشکل از چندین نوع از جمله اتنیکی، فرهنگی، ضد استعماری، مدنی، رومانی، چپ، دینی و ...

لذات را از بین می‌برد. برای مثال جوانان که به موسیقی خوانندگی ملتی دیگر گوش می‌دهند، یا اشعار دیگر ملل را می‌خوانند، همین افراد برای دفاع از حقوق ملی و زبان کوردی آماده‌اند هزینه‌ی گرافی را بدهند! آنان که می‌گویند به موسیقی دیگر ملت‌ها گوش ندهید، متأسفانه اکثر آنان آشنایی اندکی با موسیقی و به‌خصوص موسیقی کوردی دارند. آنان که می‌گویند متون فارسی، ترکی و عربی را به زبان کوردی ترجمه نکنید، متأسفانه اکثر آنان با ترجمه آشنایی آنچنانی ندارند و کمتر می‌توانند مقاله‌ای به زبان کوردی بدون اشتباه املای و دستور زبانی به رشته‌ی تحریر درآورند! از این تعجب‌آورتر اگر به نوشته‌ی برخی از نویسندگان بنگریم، می‌بینیم که منابع نوشته‌هایشان فارسی، ترکی و یا عربی است!

ناسیونالیسم کوردی به ارزش‌های فرهنگی دیگر ملل احترام قائل است و همچون در مورد آن بحث کردیم ناسیونالیسم اخلاق‌گرایانه که به پلورالیسم فرهنگی معتقد است، تا حدی که در برخی از مکان‌ها به سوی ناسیونالیسم مدنی‌گرایش پیدا می‌کند. در این نوع ناسیونالیسم خاک به مفهوم مرکزی مبدل می‌شود، خاک به میهن همگان با تمامی تنوعات، جنسیت و مذهب. آنچه جای توجه است این است وقتی به این بنگریم طی مدت کمتر از صد سال گذشته با ظهور اندیشه‌ی ناسیونالیسم مدرن کوردی، به‌دلیل به وجود آمدن احزاب سیاسی، در اساننامه و مرامنامه‌ی این احزاب ناسیونالیسم مدنی به‌خصوص و به‌طور کلی این ناسیونالیسم همه‌جانبه که در مورد آن بحث کردیم، وجود دارد.

برای مثال در مرامنامه‌ی "حزب آزادی کوردستان" - این حزب قبل از تأسیس کومله‌ی ژیکاف تأسیس شده بود- نخست به‌طور جزئی به تقسیم کوردستان می‌پردازد و سپس از ماده‌ی یک به بعد بدون تبعیض بین کورد، ارمنی، آشوری و ترک که از ساکنین کوردستان می‌باشند می‌پردازد. در بند ۵ به گسترش زبان کوردی، ارمنی و ترکی می‌پردازد. در بند ۸ و ۱۳ به این موارد می‌پردازد و همچنین در بند ۲۳ این چنین می‌گوید: "آزادی ادبی، فرهنگی، قلم و زبان اقلیت‌های ملی و مورد احترام‌اند." (اسناد

و ارادی فردی است. حتی این خط دوگم و رادیکال ناسیونالیسم کوردی در این عصر به‌عنوان ناسیونالیسم ضد-استعماری نامبرده می‌شود، در معادلات کولونیالیست-کونولونیالیست شده خواهان تعامل است. هرچند احتمالاً بحث در مورد ناسیونالیسم مدنی، سخن به میان آوردن در مورد ناسیونالیسم همه‌جانبه محصول محیط ملت کوردستان، بهتر مستقر شود. اما با وجود این تمامی این مسائل، تهدیدی دیگر وجود دارد که می‌توان به‌عنوان طرف دیگر قضیه به آن بنگریم. یعنی این دسته‌ای که به زبان دیگری در خدمت آنان است. بیشتر اوقات این گروه از نویسنده، تحلیل‌گر، روزنامه‌نگار، بازیگر تئاتر، دقیق برای منافع دارنده‌ی این زبان، یعنی برای ملت فرادست می‌نویسند و می‌گویند. برخی اوقات به این آسیمیلیاسیون غیرآگاهانه می‌گویند که از آن مطلع نیست، اما آنان که آگاهانه از این زبان به‌منظور نشان دادن فرادستی این زبان استفاده می‌کنند قضیه‌اش متفاوت است. یعنی باوجود این که نوع باختن و تسلیم‌پذیری (در راستای درآمد) درخصوص زبان ملت فرادست در جریان است، سعی می‌کنند با همگن‌سازی خودساخته در ملت فرادست حل شود و به بخشی از آنان مبدل شوند. این مسئله جای توجه است که پس سال‌های خدمت به زبان و فرهنگ ملت متجاوز، آنان را تحویل نمی‌گیرند و در آخر با دیدگاهی تحقیرآمیز به‌عنوان "کرد پارسی‌گوی" نامبرده می‌شوند!

کسانی که به زبان دیگری از حقوق ملت کورد دفاع می‌کنند، دو برابر خسته‌اند، زیرا برخی اوقات هم هدف دشمن و هم مورد نکوهش دوست قرار می‌گیرند. هرچند در مورد آن بحث کردیم از این شاقول به‌عنوان معیار استفاده نمی‌شود. در واقع این مهم است که ما برای گفتن در برابر دیگران چه داریم و چطور آن را بیان می‌کنیم.

کلام آخر، مشکل ما با ملت فرادست، عقلیت حاکم بر گفتمان‌شان است که هدف‌اش محو تمامیت ما است. در این صورت ما با تنوعات و ارزش‌های انسانی هیچ ملتی مشکل نداریم.

احزاب سیاسی ایران، به کوشش بهروز طیرانی، (۱۳۷۶). اگر به این بندها بنگریم ناسیونالیسم همه‌جانبه به‌کلی نمایان می‌شوند: "تقسیم کوردستان (ناسیونالیسم اتنیکی و ناسیونالیسم ضد-استعماری)، بدون تبعیض (ناسیونالیسم چپ)، کوردستان به‌عنوان سرزمین ساکنان ملل (ناسیونالیسم مدنی) گسترش و توسعه‌ی زبان دیگر ملل (ناسیونالیسم فرهنگی) و ... یعنی می‌خواهم بگویم ناسیونالیسم کوردی، از درون خود برگرفته از این ناسیونالیسم می‌باشد و به ناسیونالیسم همه‌جانبه مبدل گشته است.

یا در اطلاعیی‌ی تأسیس حزب دموکرات کوردستان پس از مقدمه و مجموعه‌ای، سخنرانی و مجموعه‌ای اشعار تحت نام "شعارهای ما و آن‌ها" طبقه‌بندی شده‌اند. در شعار شماره ۶ اینگونه آمده: "حزب دموکرات کوردستان به این منظور فعالیت می‌کند که در جریان مبارزه، به‌همراه آذربایجانی‌ها و دیگر اقلیت‌ها ملی مانند آشوری و ارمنیو اتحاد و برادری را می‌خواهد." همچنین در مرامنامه‌ی حزب، مصوب کنگره‌ی ۱ فصل ۲، بخشی از ماده‌ی ۴ به‌دین شیوه آمده: "همچنین در کوردستان باید اساس دموکراسی و نرم‌های اجتماعی مردم در نظر گرفته شود، باید بدون توجه به تبعیض ملی و مذهبی، برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی دارای حقوق برابر باشند." سپس در ماده‌ی ۲۲ اینگونه آمده: "باید حقوق اقلیت‌های ملی که در کوردستان زندگی می‌کنند، مانند آذربایجانی، ارمنی و آشوری، به‌کلی تأمین شود." می‌توان دقیق برای کومله‌ی ژکاف این ناسیونالیسم را در پیش گرفت. اما این دو مثال که در مورد آن سخن به میان آوردیم بیشتر دارای جنبه‌ی پلوریالیستی، تنوعات و همزیستی مسالمت‌آمیز در ناسیونالیسم کوردی پررنگ می‌شود.

برخی اوقات انعطاف‌پذیری و همزیستی مسالمت‌آمیز کورد با دیگر ملت‌ها، به جای می‌رسد که در بطن گفتمان ملی کورد به‌عنوان عنصر ناسیونالیسم مدنی یا ناسیونالیسم غربی شناخته می‌شود. هدف از این ناسیونالیسم مدنی ارزش‌های جهانشمول لیبرال براساس آزادی و دموکراسی و ارزش قائل شدن به خواسته

استقلال سیاسی برای حزب دمکرات هم اخلاق است و هم اصول

نسانند. تصمیم درست و سودمند از مسئولیت‌پذیری سرچشمه می‌گیرد. آن دسته از افراد، احزاب و سازمان‌هایی که خود را در برابر سرنوشت ملت و نتایج تصمیماتشان پاسخگو نمی‌دانند، نه می‌توانند از استقلال خود محافظت کنند و نه می‌توانند تصمیم درستی را اتخاذ نمایند، برای همین است که در قبال به دست آوردن یک دستاورد کوچک و کوتاه مدت آماده‌اند؛ با پشت کردن به ارزش‌های اخلاقی، چشم و گوش‌شان را بر روی منافع ملتشان ببندند و با تکیه بر قدرت دشمن تسلیم خواسته‌هایش گردند و با از دست دادن استقلال‌شان، فرزندان ملت را آماج همه‌هایشان قرار دهند، که در آخر جز شرمساری و خیانت سودی برایشان به ارمغان نمی‌آورد.

حزب دمکرات تلاش کرده است با پیشبرد منافع ملت خود به عنوان یک اصل تغییر ناپذیر، استقلال سیاسی و تصمیم‌گیری را حفظ کند. اگرچه برای این منظور متحمل زیان‌های بزرگ و کوتاه مدت شده است، اما به شهادت تاریخ در وجدان هر فرد کورد سربلند و خوشنام باقی مانده است. در رابطه با دولت‌ها، نیروها و احزاب مختلف سیاسی همواره منافع ملت کورد را در نظر گرفته است و نه تنها تحت تأثیر هیچ حزبی قرار نگرفته، بلکه در بسیاری از موارد دوستی‌ها و منافع خویش را فدای باورها و تصمیماتش کرده است. بخصوص در ارتباط با کشورهایی که خاک کوردستان بر آنها تقسیم شده، حزب دمکرات در ارتباطات و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌هایش همیشه پایه را بر اساس منافع جنبش‌های کردی در قسمتهای مختلف کوردستان و استقلال فکری و تصمیم‌گیری خود قرار داده است. روابط و تصمیمات حزب دمکرات کوردستان با تمامی طرف‌ها، با استناد به پرونده‌ها و اسناد مربوط به روابط حزب با کشورهای اطراف - به ویژه روابطی که از قدیم تا به حال با دولت عراق داشته - نه تنها کوچکترین نشانه‌ای از انحراف از اصول ملی را در خود جای ندهد، بلکه جای بسی افتخار و غرور است.



عنوان یک بها و ارزش سیاسی ملی نام می‌برد و انحراف از آن را یک خطای بزرگ می‌داند. وقتی می‌گوید «به خاطر استقلال و نفع ملت اگر لازم باشد دست از دوستی بر می‌داریم»، و هردو اصل «استقلال» و «مصلحت» را در کنار هم قرار می‌دهد، دقیقاً می‌خواهد اهمیت و ارزش استقلال را در حزب و جنبش بیان کند، بنابراین آن را به منافع ملتش متصل می‌کند و آنها را با هم تعریف می‌کند.

منافع ملت، خواسته‌ها و پافشاری بر این خواسته‌ها برای حزب دمکرات، جزء اصول و هسته اصلی باورهایش است و محافظت و زنده نگهداشتن آنها از همه چیز واجب‌تر است. بی‌گمان محافظت از این اصول بی‌هزینه نخواهد بود و حزب دمکرات در این زمینه به روشنی اعلام کرده است در راستای محافظت از استقلال سیاسی و توان تصمیم‌گیری به هیچ‌گونه سازش، و چشم‌پوشی اعتقاد ندارد. برای همین است که شهید قاسملو تصریح کرده: «در صورت لزوم دوستی را فدای

کننده را داشته است. در مرام‌نامه‌ی هشت‌بندی حزب دمکرات کوردستان تکیه بر قدرت خلل‌ناپذیر ملت و در نظر گرفتن منافع و مصالح مردم کوردستان و معیار قرار دادن خواسته‌های ملی خلق کورد اساس و پایه است و زیربنای استقلال سیاسی جنبش نوین کوردستان به رهبری این حزب را در بر می‌گیرد و مرزهای دوستی با دیگران را معلوم می‌کند. بنابراین این ارزش‌های مبارزاتی در حزب دمکرات از زمان تأسیس تاکنون با خوانش گذشته جنبش‌های کوردستان و مزایای آن برای آینده مبارزاتی ملت کورد اصلی تغییر ناپذیر و ادامه‌دار بوده است. اما بر کسی پنهان نیست که نفوذ شخصیت و تصورات رهبر دانا و شاخص کورد، دکتر قاسملو، در تجزیه و تحلیل و تقویت این اصل در باورهای حزب دمکرات انکارناپذیر است.

شهید قاسملو این معیار را در باورها و سیاست‌های حزب دمکرات به دو معیار دیگر در حزب گره می‌زند و از آنها به عنوان یک بها و ارزش سیاسی ملی نام می‌برد و انحراف از آن را یک خطای بزرگ می‌داند. وقتی می‌گوید «به خاطر استقلال و نفع ملت اگر لازم باشد دست از دوستی بر می‌داریم»، و هردو اصل «استقلال» و «مصلحت» را در کنار هم قرار می‌دهد، دقیقاً می‌خواهد اهمیت و ارزش استقلال را در حزب و جنبش بیان کند، بنابراین آن را به منافع ملتش متصل می‌کند و آنها را با هم تعریف می‌کند.

منافع ملت، خواسته‌ها و پافشاری بر این خواسته‌ها برای حزب دمکرات، جزء اصول و هسته اصلی باورهایش است و محافظت و زنده نگهداشتن آنها از همه چیز واجب‌تر است. بی‌گمان محافظت از این اصول بی‌هزینه نخواهد بود و حزب دمکرات در این زمینه به روشنی اعلام کرده است در راستای محافظت از استقلال سیاسی و توان تصمیم‌گیری به هیچ‌گونه سازش، و چشم‌پوشی اعتقاد ندارد. برای همین است که شهید قاسملو تصریح کرده: «در صورت لزوم دوستی را فدای



اسماعیل شرفی

شهید دکتر قاسملو:
 «ما هرگز به خاطر دوستی از استقلال و مصالح ملت خود دست برنخواهیم داشت. اما به خاطر استقلال و سود ملتمان در صورت لزوم از دوستی و روابطمان خواهیم گذشت. بنابراین معیار برای ما مصالح حزب و ملت کرد و استقلال است. معیار اساسی نیز استقلال در تصمیم‌گیری است. دوستی خواهیم کرد اما با حفظ استقلالمان. اگر لازم باشد دوستی را فدای استقلال خواهیم کرد، اما هیچ وقت استقلال را فدای دوستی نمی‌کنیم.»

یکی از نقاط ضعف جنبش‌های کوردستان، وابستگی سیاسی و فکری به دولت‌ها و نیروهای تأثیرگذار بوده است، این خصلت و ویژگی‌ها اگر از یک سو به ایدئولوژی سیاسی یا فرقه‌ای مربوط باشد، تا حد زیادی محصول جبر جغرافیایی تحمیل شده به خاک کوردستان، در نتیجه جنگ جهانی دوم است. با تأسیس حزب دمکرات کوردستان و آغاز مرحله‌ای جدید و مدرن، اصول و معیاری شکل می‌گیرند که تا حدودی جنبش را از این ویژگی مضر دور می‌کند، که آن هم استقلال سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری است. در این ارتباط حزب دمکرات کوردستان در تاریخ ده‌ها ساله‌ی پر فراز و نشیب خود نه تنها صاحب پاکترین و بی‌خست‌ترین کارنامه است بلکه در تقویت کردن و ارزش دادن به این معیار در جنبش کوردی نقش مبتکر و تقویت

عدم حضور وریشه مرادی در دادگاه

در حمایت از پخش‌ان عزیز و شریفه محمدی

شریفه محمدی، فعال کارگری و پخش‌ان عزیز، مددکار اجتماعی محکوم به اعدام، در دادگاه شرکت نکرده است. نامبرده با انتشار نامه‌ای از زندان اوین گفت که با هدف حمایت از پخش‌ان عزیز و شریفه محمدی که توسط دستگاه باصلاح قضایی رژیم به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شده‌اند، در دادگاه شرکت نخواهد کرد چرا که چنین دادگاهی که حکم عادلانه‌ای در آن صادر نمی‌گردد را به رسمیت نمی‌شناسد.

در نامه این زندانی سیاسی کورد آمده است که داعش سر ماه می‌برید و جمهوری اسلامی سرمان را به دار می‌کشد. هیچ دانش سیاسی- حقوقی توان حل این



«وریشه مرادی»، زندانی سیاسی کورد که به «بغی» متهم و قرار بود روز یکشنبه ۱۴ مرداد در دادگاه حاضر شود، در حمایت از

بیش از ۴۷۰ فعال فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

طی بیانیه‌ای خواستار توقف اعدام‌ها شدند

دل‌مشغولی مسئولان اطلاعاتی و امنیتی کشور به تعقیب و مجازات منتقدان و مخالفان داخلی چه توجیهی ممکن است داشته باشد.

این کنشگران مدنی، اجتماعی و سیاسی خواستار توقف اعدام‌ها شده و افزودند که باید احکام اعدام زنان زندانی از جمله پخش‌ان عزیز و شریفه محمدی متوقف شود. همچنین در این بیانیه به وریشه مرادی، فعال حقوق زنان و نسیم سیمیری، از معترضان خیزش انقلابی ژینا که در خطر صدور احکام سنگین و اعدام قرار دارند اشاره شده است.

ایران پس از خیزش سراسری ژینا به شدت افزایش یافته است.

همزمان با افزایش اعتراضات به افزایش صدور و اجرای احکام اعدام توسط رژیم اسلامی ایران و همچنین صدور حکم اعدام برای پخش‌ان عزیز و شریفه محمدی، بیش از ۴۷۰ فعال سیاسی، اجتماعی و سیاسی طی بیانیه‌ای خواستار توقف دستگاه اعدام رژیم شدند.

امضاکنندگان این بیانیه اعلام کردند که حکم اعدام در این چهار دهه چنان سهل و سریع صادر می‌شود و چنان جان ستاندن در محاکم قضایی رسم شده که گویی گردش دوران در اذهان و قلوب آنانی که بر اریکه قدرت و حکمرانی نشسته‌اند، ذره‌ای تأثیر نگذاشته است.

در این بیانیه ضمن اشاره به نفوذ و اقدامات اسرائیل در ایران آمده است که

احضار و بازجویی خانواده ماموستا حسن واژی توسط اطلاعات رژیم در پیرانشهر



سه تن از اعضای خانواده ماموستا حسن واژی، فعال سیاسی اهل پیرانشهر و ساکن اقلیم کوردستان توسط اداره اطلاعات رژیم در این شهرستان احضار و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش "کوردپا"، روز دوشنبه ۸ مرداد، "سید جمال‌الدین واژی"، "عبدالحامید واژی" و "فاطمه پایمردی"، برادر، پسر و همسر ماموستا حسن واژی" به اداره اطلاعات رژیم در پیرانشهر احضار و توسط یک تیم اطلاعاتی و امنیتی از تهران مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند.

طبق این گزارش، اعضای این خانواده توسط بازجویان اطلاعاتی رژیم در خصوص فعالیت‌های سیاسی ماموستا حسن واژی مورد بازجویی قرار گرفته و تهدید شده‌اند که تداوم فعالیت‌های سیاسی نامبرده، برای وی و خانواده‌اش گران تمام خواهد شد. همچنین بازجویان اطلاعاتی رژیم ماموستا حسن واژی را در صورت تداوم فعالیت‌های سیاسی خود به اقدامات جدی تهدید کرده‌اند.

ماموستا حسن واژی، فعال سیاسی اهل شهرستان پیرانشهر، چند سال پیش و در پی فشار نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسلامی مجبور به ترک کوردستان ایران شده و در اقلیم کوردستان ساکن است.

اخراج فرمیسک فتاحی از معلمان اداره آموزش و پرورش مریوان



دارای چهارده سال سابقه مربی و مدیریت در پیش‌دبستانی و مدارس ابتدایی این شهرستان می‌باشد. شایان ذکر است که رژیم اسلامی ایران به شکل گسترده‌ای پروژه اخراج معلمان کورد را کلید زده و پرونده صدها معلم کورد را جهت اخراج و تعلیق به هیات‌های تخلف و گزینش ارجاع داده است.

حکم اخراج "فرمیسک فتاحی" معلم اداره آموزش و پرورش مریوان که در اواخر سال ۱۴۰۱ صادر شده بود، تأیید شد.

بر اساس گزارش "هه‌نگاو"، دیوان عدالت اداری رژیم اسلامی ایران حکم اخراج "فرمیسک فتاحی"، از معلمان شهرستان مریوان را که توسط هیات مرکزی گزینش اداره آموزش و پرورش صادر شده بود را تأیید کرده است.

بنا بر گزارش هه‌نگاو، حکم اخراج این معلم کورد از اداره آموزش و پرورش با رأی شعبه ۲۹ دیوان عالی اداری رژیم جمهوری اسلامی ایران قطعی شده است. خانم فرمیسک فتاحی از معلمان مریوان

فرمیسک فتاحی، معلم سابق در دبستان‌های مختلف مریوان، در سال ۱۳۸۵ به مریوان منتقل شد. او دارای مدرک کارشناسی تربیتی از دانشگاه ارومیه است. در سال ۱۳۸۵ به مریوان منتقل شد و در دبستان‌های مختلف تدریس کرد. او در سال ۱۳۹۵ به مریوان منتقل شد و در دبستان‌های مختلف تدریس کرد. او در سال ۱۳۹۵ به مریوان منتقل شد و در دبستان‌های مختلف تدریس کرد.

فرمیسک فتاحی، معلم سابق در دبستان‌های مختلف مریوان، در سال ۱۳۸۵ به مریوان منتقل شد. او دارای مدرک کارشناسی تربیتی از دانشگاه ارومیه است. در سال ۱۳۸۵ به مریوان منتقل شد و در دبستان‌های مختلف تدریس کرد. او در سال ۱۳۹۵ به مریوان منتقل شد و در دبستان‌های مختلف تدریس کرد.

مادران دادخواه کوردستان حکم اعدام پخشان عزیز و شریفه محمدی را محکوم کردند

شماری از مادران دادخواه کوردستان در شهرستان سنندج در راستای محکومیت صدور احکام اعدام علیه "پخشان عزیز" و "شریفه محمدی" گرد هم آمدند. مادران دادخواه کوردستان در ویدیوی منتشر شده با در دست گرفتن تصاویر جمعی از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و در خطر اعدام می‌گویند: "ته به اعدام" و "ته به اعدام فرزندانمان".

پیشتر نیز "دایه شریفه"، مادر رامین حسین‌پناهی، زندانی سیاسی اعدام شده در پیامی در رابطه با محکومیت حکم اعدام پخشان عزیز و شریفه محمدی با بیان اینکه "اعدام قتل عمد حکومتیست" نوشت؛ من مادر رامین حسین‌پناهی، خواهان لغو حکم اعدام و آزادی پخشان عزیز و شریفه محمدی هستم. دایه شریفه با به دست گرفتن پلاکاردی در رابطه با حکم اعدام نوشت: اعدام ننگ بشریت است. ننگ بر حاکمیتی که برای بقا به‌دنبال گردن برای طناب دارش می‌گردد. پخشان عزیز، روزنامه‌نگار، مددکار و زندانی سیاسی کورد اهل مهاباد و محبوس در زندان اوین و شریفه محمدی، فعال کارگری اهل رشت محبوس در زندان لاکان این شهرستان هر دو به اتهام "بغی" توسط دستگاه قضایی رژیم به اعدام محکوم شده‌اند.

جان باختن یک فعال محیط زیست در حین اطفای حریق



در ادامه آتش‌سوزی‌های گسترده جنگل‌ها و مراتع کوردستان، یک فعال محیط زیست در حین اطفای حریق جان خود را در راه حفاظت از زیست‌محیط کوردستان از دست داد. روز چهارشنبه ۲ مرداد، "اسماعیل کریمی" فعال محیط زیستی ۲۷ ساله و

کامیاران دچار سوختگی ۸۰ درصدی شده و به بیمارستان کوثر سنندج منتقل شده بود. این فعال محیط زیست روز گذشته بدلیل وخامت از بیمارستان کوثر به یکی از مراکز درمانی تهران منتقل شده بود. "اسماعیل کریمی"، فعال محیط زیستی و از کارکنان منابع طبیعی کامیاران در کنترل و مهار آتش‌سوزی‌های جنگل‌ها و مراتع کوردستان فعالیت گسترده‌ای داشته و در راه حفاظت از زیست‌محیط کوردستان جان خود را فدا کرد.

شایان ذکر است که مراسم خاکسپاری پیکر اسماعیل کریمی، فعال محیط زیست با حضور هزاران نفر از مردم میهن‌دوست کوردستان و با شعار "شهید نامری" و "کاک اسماعیل قهرمان است، شهید کوردستان است" در روستای "تجف آباد" از توابع کامیاران برگزار شد.

گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل از تداوم سرکوب ملت‌های ایران در پی اعتراض‌های ۱۴۰۱



کمیته حقیقت‌یاب تعیین‌شده توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل در گزارش جدید خود به شکل رسمی تأیید کرد که ملت‌های ایران از زمان آغاز جنبش «زن، زندگی، آزادی» به بعد به شکل «بی‌رویه و نامتناسب» سرکوب شده‌اند.

بر اساس این گزارش که روز دوشنبه ۱۵ مرداد ماه منتشر شد، سرکوب اقلیت‌ها به ویژه در استان‌های خوزستان، سنندج، کرمانشان، ارومیه و تبریز و سیستان و بلوچستان شدید بوده است.

کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل در این گزارش تأکید کرده که اقلیت‌های نژادی و دینی در ایران، به ویژه اقلیت‌های کورد و بلوچ، به طور بی‌رویه و نامتناسب تحت تأثیر سرکوب دولت علیه معترضان که از سال ۱۴۰۱ آغاز شد، قرار گرفته‌اند.

این کمیته تأکید کرده که این تبعات، نتیجه مستقیم تبعیض‌های دیرینه است و باید فوراً پایان یابد.

در این گزارش به مواردی از جمله «مرگ‌های غیرقانونی، اعدام‌های فرا قضایی، استفاده غیر ضروری از نیروی مرگبار، دستگیری خودسرانه، شکنجه، تجاوز، ناپدیدسازی قهری و آزار و اذیت‌های مبتنی بر جنسیت» اشاره شده که بسیاری از آنها مصداق «جنایت علیه بشریت» است.

به گفته کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل، در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ در ایران، کودکان و زنان به ویژه کودکان و زنان اقلیت‌های نژادی و دینی مورد نقض فاحش حقوق بشر قرار گرفته‌اند که شامل کشتار، مجروح شدن، بازداشت، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و تجاوز و اشکال دیگر خشونت جنسی می‌شود.

این کمیته در گزارش خود تأکید کرده که تأثیر چنین سرکوبی به ویژه بر کودکان فرانسلی است و آسیب‌های چند بعدی آن ماندگار است و ممکن است دهه‌ها ادامه داشته باشد.

کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر اسفند ماه سال گذشته نیز در گزارش مفصلی جمهوری اسلامی را مسئول «خشونت فیزیکی» منجر به مرگ مهسا امینی معرفی کرد و اقدامات حکومت علیه زنان در ایران را مصداق «جنایت علیه بشریت» دانست. در آن گزارش تأکید شده بود که آنچه حکومت ایران علیه زنان معترض انجام داده، ممکن است در رده «جنایت علیه بشریت» باشد.

این کمیته همچنین براساس آنچه «مبنای معقول» نامیده بود، گفت بر این باور است که مرگ ژینا امینی ناشی از «علل خارجی» بوده است.

در گزارش نوشته شده بود: «برای کمیته، وجود شواهدی مبنی بر تروما بر بدن خانم امینی که در زمان بازداشت ایشان در دست پلیس امنیت اخلاقی وارد شده، مشخص شده است».

همچنین تیرماه ۱۴۰۳ وزارت خارجه آمریکا در گزارش سالانه بررسی آزادی مذهبی در بخش ایران تصریح کرد که پس از کشته‌شدگان ژینا امینی در بازداشت گشت‌ارشاد در مهرماه ۱۴۰۱، فشار و سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران افزایش یافته‌است.

در این گزارش با اشاره به موارد متعدد سرکوب و آزار مذهبی در جمهوری اسلامی به موضوع سرکوب و ادامه فشار بر بهائیان، درویش، نوکیشان مسیحی، و اهل تسنن نیز پرداخته شد.

این گزارش با استناد به گزارش سازمان «اتحاد برای ایران»، از زندانی شدن ۵۰۰ نفر در سال گذشته در ایران به دلیل اتهامات مذهبی خبر داد.

گزارش سالانه بررسی آزادی مذهبی تصریح کرده است که در حال حاضر یک هزار بهایی در بازداشت، حبس‌خانگی، در انتظار صدور حکم یا احضار به دادگاه تحت فشارند.

شواهد، آمار و گزارش‌ها نیز نشان می‌دهد که فشار سیستماتیک نهادهای امنیتی به ویژه بر شهروندان بهایی در ایران هم‌زمان با اعتراضات «زن زندگی آزادی»، دست کم در برخوردهای امنیتی، تبعیض و محرومیت از حقوق اولیه شهروندی و فشار مستقیم بر معترضان و فعالان بهائی بازداشت‌شده، افزایش یافته است.

این سرکوب‌ها با گذشت یک سال از آغاز اعتراضات سراسری روند صعودی داشت و بر اساس گفته‌های فعالان بهائی داخل کشور همچنان ادامه دارد.



گزارش آماری هه‌نگاو؛

اجرای حکم اعدام ۲۲۶ زندانی در نیمه اول سال ۲۰۲۴



۴ مورد در زندان‌های استان خراسان رضوی اعدام شده‌اند. در زندان‌های استان فارس و استان البرز نیز هر کدام ۴ تبعه خارجی اعدام شده‌اند.

تفکیک اجرای احکام اعدام بر حسب استان‌ها

با استناد به این گزارش، بیشترین زندانیان که در شش ماه نخست امسال در ایران اعدام شده‌اند، در زندان‌های استان البرز اعدام شده‌اند که ۵۵ مورد معادل ۲۰.۵٪ کل آمار می‌باشد. پس از آن بیشترین آمار اعدام در زندان‌های استان خراسان رضوی با ۳۰ مورد و استان فارس با ۲۱ مورد ثبت شده است. زندان‌های استان البرز: ۵۵ مورد زندان‌های استان خراسان رضوی: ۳۰ مورد

زندان‌های استان فارس: ۲۱ مورد
زندان‌های استان اصفهان: ۲۰ مورد
زندان‌های استان‌های ارومیه و تبریز و هر کدام ۱۸ مورد

زندان‌های استان زنجان: ۱۲ مورد
زندان‌های استان کرمان: ۱۱ مورد
زندان‌های استان همدان: ۹ مورد
زندان‌های استان‌های خراسان جنوبی، قزوین و اردبیل: هر کدام ۸ مورد

زندان‌های استان قم: ۷ مورد
زندان‌های استان‌های ایلام، کرمانشاه، گلستان، گیلان و سیستان و بلوچستان: هر کدام ۵ مورد

زندان‌های استان لرستان: ۴ مورد
زندان‌های استان‌های یزد و مرکزی: هر کدام ۳ مورد
زندان‌های استان هرمزگان: ۲ مورد
زندان‌های استان‌های کوردستان، سمنان، خوزستان و خراسان شمالی: هر

کدام ۱ مورد

هه‌نگاو، بیشترین زندانیانی که در شش ماه گذشته اعدام شده‌اند؛ کورد بوده‌اند که این شامل ۷۲ مورد معادل ۲۷٪ کل موارد اعدام در شش ماه گذشته است. همچنین ۴۲ زندانی تورک و ۳۲ زندانی بلوچ در مدت اخیر در زندان‌های ایران اعدام شده‌اند.

بنابراین آمار از مجموع زندانیان اعدام شده ۴۴ زندانی فارس بوده‌اند. درباره اتنیک ۲۸ زندانی دیگر اطلاعات دقیقی در دسترس نیست.

زندانیان کورد: ۷۲ مورد معادل ۲۷٪ کل موارد
زندانیان تورک: ۴۲ مورد معادل ۱۶٪ کل موارد
زندانیان بلوچ: ۳۲ مورد معادل ۱۲٪ کل موارد

زندانیان خارجی: ۲۴ مورد معادل ۹٪ کل موارد
زندانیان لور و لور بختیاری: ۱۲ مورد معادل ۴.۵٪ کل موارد

زندانیان گیلک: ۵ مورد
زندانیان عرب: ۵ مورد
زندانیان ترکمن: ۳ مورد
زندانیان اقلیت هزاره: ۲ مورد
زندانیان با اتنیک نامعلوم: ۲۸ مورد

اجرای حکم ۲۴ زندانی تبعه خارجی با استناد به آمار هه‌نگاو، طی شش ماه نخست سال جاری میلادی، دست‌کم ۲۳ زندانی تبعه کشور افغانستان در زندان‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران اعدام شده‌اند. همچنین یک زندانی تبعه کشور عراق نیز اعدام شده است.

از مجموع این ۲۴ زندانی ۹ نفر به اتهام قتل عمد و ۱۵ نفر نیز به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند. بیشتر این زندانیان شامل

۵- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۶- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۷- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۸- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۹- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۱۰- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۱۱- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۱۲- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۱۳- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۱۴- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۱۵- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۱۶- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۱۷- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۱۸- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۱۹- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۲۰- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۲۱- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۲۲- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۲۳- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۲۴- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۲۵- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۲۶- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۲۷- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۲۸- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۲۹- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۳۰- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۳۱- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۳۲- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۳۳- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۳۴- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۳۵- محسن مظلوم، زندانی سیاسی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و وفا آذربار، زندانی سیاسی کورد و اهل بوکان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۳۶- محمد فرامرز، زندانی سیاسی کورد و اهل دهگلان در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. یک زندانی با نام کوچک سعید به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در تاریخ ۳ مارس ۲۰۲۴ در اصفهان اعدام شد.

۳۷- انور خضری، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۳۸- خسرو بشارت، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد، در تاریخ ۱ می ۲۰۲۴، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، طی نیمه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی (شش ماه) دست‌کم اجرای حکم اعدام ۲۲۶ زندانی در زندان‌های مختلف ایران ثبت شده است. همچنین طی مدت اخیر دست‌کم ۷۲ زندانی کورد، ۴۲ زندانی تورک، ۳۲ زندانی بلوچ، ۲۳ زندانی تبعه افغانستان و ۱۰ زن و یک کودک مجرم در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران اعدام شده‌اند.

با استناد به این گزارش، از مجموع ۲۲۶ زندانی که اعدام شده‌اند، تنها ۲۱ مورد معادل ۸٪ کل موارد در رسانه‌های حکومتی و رسانه‌های نزدیک به قوه قضاییه رسماً اعلام شده است و ۹۲٪ این موارد رسانه‌ای نشده است.

از مجموع ۲۲۶ زندانی که اجرای حکم اعدام آنها توسط هه‌نگاو ثبت شده است تاکنون هویت کامل ۲۹۵ نفر از آنها برای هه‌نگاو احراز شده و هویت ۷ نفر نیز در دست بررسی می‌باشد.

برطبق این گزارش ۴ نفر به اتهام فعالیت سیاسی، ۴ نفر به اتهام فعالیت عقیدتی، یک نفر به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و یک نفر هم به دلیل شرکت در جنبش ژن ژیان نازادی به اعدام محکوم شده بودند و اسامی آنها به شرح زیر است:

۱- داوود عبداللهی، زندانی عقیدتی کورد و اهل مهاباد در تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد و محمد قبادلو، از بازداشت شدگان جنبش ژن ژیان نازادی در تهران، در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

۲- فرهاد سلیمی، زندانی عقیدتی کورد و اهل سقز در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد. ۳- پژمان فاتحی، زندانی سیاسی کورد و اهل کامیاران در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

تفکیک اعدام‌ها بر حسب اتهام

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، طی شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی بیشترین موارد اعدام مربوط به افرادی بوده است که به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده‌اند. ۶۰٪ موارد اعدام در شش ماه گذشته که معادل ۱۵۹ مورد است، به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند.

مواد مخدر: ۱۵۹ مورد معادل: ۶۰٪ کل

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، طی شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی بیشترین موارد اعدام مربوط به افرادی بوده است که به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده‌اند. ۶۰٪ موارد اعدام در شش ماه گذشته که معادل ۱۵۹ مورد است، به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند.

مواد مخدر: ۱۵۹ مورد معادل: ۶۰٪ کل